



The principle of universal jurisdiction in international criminal law and the Afghan penal code

Abdul Karim Eskandari

Abstract

One of the basic topics in the field of international criminal law is the principle of competencies, which are divided into territorial, personal, protective, and global competencies in terms of territorial territory and beyond. The principle of universal jurisdiction has been established for the national courts of states to prosecute and try international criminals and protect the order and security of countries at the domestic and international levels, considering the complementarity of the jurisdiction of the International Criminal Court. According to this principle, all countries have the right to try international criminals, and due to its secondary nature, it can be implemented by the domestic courts of the states with special conditions and in the absence of other jurisdictions. In this research, an attempt is made to examine universal jurisdiction, its principles, and implementation conditions from the point of view of international documents and Afghan criminal law, and this principle is described and investigated using a library method. Acceptance of this principle is optional, like membership in the Rome Statute, and for this reason, there is no single practice by countries in the field of its acceptance and the crimes covered by this competence, and therefore, it faces legal and non-legal challenges in terms of implementation, but in total, the examples The practice of this principle indicates its effective function in the field of fighting international crimes, especially for weak countries.

Keywords: Universal jurisdiction, international punishment, foundations, territory, implementation conditions, obsta



اصل صلاحیت جهانی در حقوق جزای بین الملل و کود جزای افغانستان

عبدالکریم اسکندری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۵

چکیده

از مباحث اساسی در حوزه حقوق جزای بین الملل، اصل صلاحیت‌ها است که به لحاظ قلمرو مکانی و فرائز از آن به صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی، حمایتی و جهانی تقسیم می‌گردد. اصل صلاحیت جهانی با توجه به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان جزای بین الملل، در راستای تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین المللی و حفاظت از نظم و امنیت کشورها در سطح داخلی و بین المللی برای محاکم ملی دولت‌ها تاسیس شده است. به موجب این اصل تمامی کشورها حق محاکمه جنایتکاران بین المللی را دارد و با توجه به فرعی بودن آن با شرایط خاص و در صورت نبود سایر صلاحیت‌ها، توسط محاکم داخلی دولت‌ها قابل تطبیق است. در این پژوهش تلاش بر این است که با روش کتابخانه‌ای به بررسی صلاحیت جهانی، مبانی و شرایط اجرای آن از منظر اسناد بین المللی و حقوق جزای افغانستان پرداخته و این اصل مورد توصیف و بررسی قرار گیرد. پذیرش این اصل همانند عضویت در اساسنامه رم اختیاری بوده و به همین دلیل رویه واحدی از سوی کشورها در زمینه پذیرش و جرایم تحت شمول این صلاحیت وجود ندارد و لذا در مقام

دکتر حقوق جرم و جرم‌شناسی، کدر علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خاتم النبیین (ص) *

تطبيق با چالش‌های حقوقی و غير حقوقی مواجهه است اما در مجموع نمونه‌های عملی این اصل حاکی از کارکرد موثر آن در زمینه مبارزه با جرایم بین‌المللی به ویژه برای کشورهای ضعیف است. واژگان کلیدی: صلاحیت جهانی، جزای بین‌الملل، مبانی، قلمرو، شرایط اجرا، موانع.



از مباحث مهم حقوق جزای بین‌الملل، موضوع صلاحیت‌هاست که برخی از آن تعبیر به «قلمرو نصوص حقوق جزا در زمان» می‌نماید. صلاحیت و یاشایستگی محاکم کشورها نسبت به رسیدگی مسایل کیفری از منظرهای متفاوتی تقسیم بندی شده است. از لحاظ مقام تطبیق‌کننده و ارتباط آن‌ها با یک دیگر به صلاحیت‌های تقنینی، قضایی و اجرایی طبقه بندی گردیده است و به لحاظ قلمرو به صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی مثبت و یا منفی، و صلاحیت حمایتی و یا به تعبیر دیگر صلاحیت واقعی تقسیم شده است. اما یکی از انواع مهم و موثر صلاحیت‌ها به خصوص در راستایی جلوگیری از جرایم بین‌المللی و تأمین عدالت اجتماعی، صلاحیت جهانی است. این نوع از صلاحیت بر مبنایی نوع جرم و مکان دستگیری مجرم تاسیس شده است. هر یک از صلاحیت‌های گفته شده نیازمند بحث و بررسی مستقل است، اما این تحقیق تلاش دارد صلاحیت جهانی را در پرتو معاهدات بین‌المللی و حقوق جزای افغانستان کنکاش نموده، جرایم تحت شمول صلاحیت جهانی، مبانی، شرایط اجرا و موانع آن را به بحث بگیرد. سوال اساسی این است که با وجود تکمیلی بودن صلاحیت دیوان دایمی جزای بین‌الملل چه راهکارهای جهت محاکمه جنایتکاران بین‌المللی وجود دارد و با چه تدابیری ملت‌ها می‌توانند از بی مجازات ماندن مجرمان بین‌المللی جلوگیری نمایند؟

فرضیه تکمیلی بودن صلاحیت دیوان جزای بین‌الملل، بیانگر این واقعیت است که تعقیب جرائم بین‌المللی، توسط محکمه مانند I.C.C، ممکن است به تنهایی برای تحقق عدالت کافی نباشد و اقدام محاکم ملی از طریق اعطای صلاحیت جهانی در خاتمه بخشیدن به بی مجازات ماندن جنایتکاران بین‌المللی از چنان اهمیتی برخوردار است که نباید از آن چشم پوشید. از طرف دیگر به رسمیت شناختن اصل صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی تأثیری عمیق در تشویق دولت‌ها به عضویت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دارد، چرا که چنین عضویتی به هیچ وجه نافی صلاحیت مراجع قضایی ایشان در مقابله با جرائم بین‌المللی نخواهد بود، از همین رو در پژوهش حاضر سعی بر آن است که صلاحیت جهانی تعریف، مبانی نظری، قلمرو موضوعی، شرایط اجرا و موانع آن بررسی گردد. تعریف صلاحیت جهانی و سابقه آن

در این بخش در آغاز به سابقه صلاحیت جهانی و سپس به تعریف آن پرداخته می‌شود.

پیدایش صلاحیت جهانی

مطالعه تاریخ حقوق جزای بین الملل، حاکی از آن است که مفهومی شبیه صلاحیت جهانی در مورد دزدی دریایی و تجارت برده، ریشه در عرف بین المللی دارد و بر اساس آن تمامی دولت‌ها می‌توانستند دزدان دریایی را بدون در نظر گرفتن ملیت آن‌ها دستگیر و مجازات نمایند؛ اما به طور رسمی اولین اقدامات صورت گرفته از سوی دولت‌ها برای ایجاد صلاحیت جهانی مربوط به قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی می‌باشد. برخی از محققان در این مورد نوشته‌اند: صلاحیت جهانی، برای اولین بار در سال ۱۸۳۰ وارد قانون کیفری اتریش گردید. بر طبق این قانون قطع نظر از جرائم علیه امنیت و اعتبار مالی دولت که موضوع مقررات خاص است، صلاحیت قاضی اتریشی، ناظر بر همه جرائمی است که در کشوری دیگر توسط فرد بیگانه‌ای صورت گرفته باشد. با کمی تغییر، همین قاعده در قانون ۱۸۵۲ آن کشور نیز دیده می‌شود. این صلاحیت در آن‌جا جنبه‌ای کلی به خود می‌گیرد و تمام جرائمی را شامل می‌شود که عموم مردم از آن نفرت دارند و قانون کیفری همه کشورها، نیز مجازاتی برای آن‌ها مقرر داشته است. حتی این قانون، جرائمی کم اهمیت‌تر مانند دزدی همراه با کیفیات مشدده، فریبکاری و خیانت در امانت را هم در بر می‌گیرد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۳، ۸۵)

سابقه صلاحیت جهانی در حقوق جزای افغانستان به سال ۱۳۹۶ و به زمان تدوین کودجزای افغانستان بر می‌گردد و پیش از آن در نظام حقوق جزای افغانستان پیش‌بینی نشده بود. قانون‌گذار افغانستان بر مبنای تعهدات بین‌المللی دولت افغانستان نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با جنایات بین‌المللی و اساسنامه رم، اولین بار صلاحیت جهانی را در کود جزا پیش‌بینی و مقررات حاکم بر آن را بیان نمود که در بخش مربوطه توضیح بیشتر داده خواهد شد.

۱-۲. تعریف صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی در تعریف کلاسیک عبارت است از توسعه قلمرو حقوقی و قضائی یک کشور نسبت به اعمال ارتكابي که در مناطق خارج از قلمرو حاکمیت دولت‌ها واقع می‌شود. (آزمایش، ۱۳۸۱، ۵) مطابق این تعریف، تطبیق صلاحیت جهانی کشورها تنها شامل جرایم بین‌المللی می‌شد که در خارج از قلمرو حاکمیت ملی مانند دریایی آزاد، هوا و فضا صورت می‌گرفت. در تعریف معاصر صلاحیت جهانی توسعه یافته است و فراتر از سه اصل صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی است. دلیل این توسعه آن است



که این سه اصل، جواب‌گویی نیازهای حقوق بین‌الملل کیفری نیست. «اصل صلاحیت جهانی به هریک از کشورها اجازه تعقیب مجرمینی را می‌دهد که نه در قلمرو حاکمیت آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند نه از اتباع آن‌ها هستند نه به منافع حیاتی و اساسی آن‌ها تجاوز کرده‌اند و نه علیه اتباع آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند، تنها معیار مطرح برای اعمال صلاحیت در این مورد محل دستگیری مجرم است» (خالقی، ۱۳۸۱، صص ۴۷-۵۳) صلاحیت جهانی به این معنا است که محاکم ملی یک کشور بدون هیچ عنصر ارتباطی اعم از قلمرو، تابعیت یا منفعت دولت، اقدام به اعمال صلاحیت نمایند و لذا حقوق دانان معاصر اصل صلاحیت جهانی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: توسعه صلاحیت اعمال قوانین جزای یک کشور در رسیدگی به جرایم بین‌المللی در مواردی که هیچ یک از صلاحیت‌های دیگر قابل اعمال نیست. مثلاً اگر در دریای آزاد یکی از جرایم مهم بین‌المللی ارتكابی مانند دزدی دریایی، جرایم جنگی و... هر دولت که مجرم را در اختیار دارد نسبت به جرم رسیدگی می‌کند. این صلاحیت در مواردی قابل اعمال است که اولاً جرم از نوع بین‌المللی باشد و ثانیاً دیگر صلاحیت‌ها مصداق پیدا نکند. (پوربافرانی، ۱۳۸۸، ۱۵۶) با توجه به تعریف جدید از اصل صلاحیت جهانی می‌توان گفت: صلاحیت جهانی در جای مطرح است که هیچ یک از صلاحیت‌های گفته شده قابل اجرا نباشد و محاکم ملی قادر به محاکمه جنایت‌کاران بین‌المللی نیستند و یا تمایل ندارند و برای این که هیچ مجرمی بدون مجازات باقی نماند محاکم دولت خارجی از طریق اعمال صلاحیت جهانی به تعقیب و محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی پرداخته و بدین ترتیب نظم و امنیت بین‌المللی را محافظت می‌نمایند.

۲. مبانی اصل صلاحیت جهانی

برای اصل صلاحیت جهانی مبانی متعددی ذکر شده است. این مبانی عبارت از ضرورت جلوگیری از بدون مجازات ماندن مجرم، حفظ نظم عمومی کشور محل دستگیری مجرم و در نهایت حفظ نظم عمومی کشورهای جهان می‌باشد.

۱-۲. ضرورت جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرم

یکی از اهداف مهم حقوق جزای بین الملل جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین می باشد. از همین جهت است که اصول صلاحیت کیفری ایجاد گردیده است. در عین حال و علی رغم وجود این اصول و تلاش حقوق جزای بین الملل در جهت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین مواردی را می توان یافت که مجرمین به استناد هیچ یک از اصول پیش گفته قابل تعقیب و مجازات نبوده و در واقع از زیر بار مجازات فرار می کنند. به طور مثال هرگاه تعداد از دزدان دریایی که تابعیت هیچ کشوری را ندارند، در دریاهاى آزاد به یک کشتی تجاری متعلق به کشور «الف» حمله کرده و سرنشینان آن را به قتل رسانده و اموال آن را به غارت ببرند و پس از آن به کشور «ب» بروند، از یک سو دولت «ب» واجد صلاحیت برای تعقیب و مجازات مجرمین نیست؛ به این دلیل که نه جرم در قلمرو حاکمیت او اتفاق افتاده و نه مجرمین و قربانیان آن هیچ کدام از اتباع آن کشور نبوده و جرم هم علیه منافع اساسی و مهم او نمی باشد. لذا امکان اعمال هیچ کدام از اصول صلاحیت شخصی مبتنی برتابعیت مجرم، صلاحیت شخصی مبتنی برتابعیت مجنی علیه، صلاحیت سرزمینی و صلاحیت واقعی برای او وجود ندارد. از سوی دیگر ممکن است تقاضای دولت «الف» هم مبنی بر استرداد مجرمین، از طرف دولت «ب» بنا به دلایلی از جمله فقدان قرار داد استرداد مجرمین بین دو دولت رد شود. در این صورت و در موارد دیگری نظیر این مورد، مجرم یا مجرمین بدون مجازات مانده و حقوق جزای بین الملل هم به هدف خود نرسیده است. به همین دلیل جهت رفع این نقصان و پرکردن خلاء صلاحیتی است که اصل صلاحیت جهانی به وجود آمده است. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۶۱) مطابق این اصل دولت محل دستگیری واجد صلاحیت برای تعقیب و مجازات مجرمین بوده و این نقص عمده هم مرتفع می گردد. بعلاوه اینکه این امر در راستای تحقق عدالت می باشد، چون عدالت مقتضی آن است که مجرمی بدون مجازات باقی نماند.

۲-۳. حفظ نظم عمومی کشور محل دستگیری

مطالعه سیر پیدایش اصل صلاحیت جهانی حاکی از آن است که این اصل، ابتدا در ایتالیا ایجاد و بین شهرهای آن جاری گردید. (حایری، ۱۳۸۲، ۱۹) در دوران قرون وسطی هم موافقت براین محور استوار بوده که پاره ای از جرائم مهم را در همان محل دستگیری متهم محاکمه کنند، به این نتیجه رسیده بودند که دزدی جرمی پیوسته و مستمر است، بدین طریق



کسی که مالی را می‌دزدد هر جا که او را با این مال بیابند، حالت دزدی ادامه دارد و جرمی سنگین مانند قتل عمد به وجود قاتل متصل می‌شود و این جرم هر جا که نتایج زیان‌آور آن ظاهر شود به دنبال قاتل می‌رود و رسوایی که بی‌کیفر ماندن این جرم می‌آورد، یکی از این نتایج است. (حسینی نژاد، ۱۳۷۳، ۸۰) لذا حضور ارادی و آزادانه و فارغ از هرگونه رنج و مشقت مجرم، در کشوری دیگر که از محل وقوع جرم به آن‌جا پناه برده است، به نوعی نظم عمومی آن محل را مختل می‌کند. به قول برخی از مولفین، حضور مجرم بیگانه را که فارغ از کیفر در کشور دیگری از ثمره جرائم خود بهره می‌برد، باید نشانه ادبار و فلاکت دانست. جزا دادن چنین مجرمی در محل پناهگاه لازم‌تر است، تا در محل وقوع جرم. مسلماً در آن‌جا جرم مردم را به وحشت افکنده است ولی مجرم ناپدید شده است. خانه ساکت و متروک او شهادت می‌دهد که او در تبعید که نوعی کفاره است بسر می‌برد ولی در اینجا یعنی در کشور پناهگاه برعکس، مردم که از جرم او با خبر شده‌اند، یا هزینه گرای را می‌بینند که دستخوش پست‌ترین تمایلات خویش است یا خادمی که خانه مخدوم را دزدیده یا تجار که با تزویر، توانگر شده و اکنون آرامش و شاید هم در خوشی و فراوانی بسر می‌برد، اگر به جزای خود نرسد هم اعتماد مردم نسبت به عدالت جزای کمرنگ گردیده و هم موجب تشویش و اضطراب آنان خواهد شد. کیفر در شاهدان مستقیم جرم کمتر مفید است تا برای این شاهدانی که نتایج پیروزمندانه جرم را می‌بینند. اگر بخواهید که کیفر اثر عبرت‌انگیز جمعی را داشته باشد، باید در محل دستگیری اجرا شود. (پور بافرانی، ۱۳۸۵، ۱۶۸) گرچند برخی دیگر این نظریه را که می‌تواند به عنوان یکی از مبانی اصل صلاحیت جهانی به شمار آید، اغراق‌آمیز دانسته و برای تعدیل آن می‌گویند: «دولتی که مجرم را دستگیر می‌کند تاحدی که وجود این مجرم برای او زیان دارد او را کیفر می‌دهد و اگر تعقیب دولت از مجرم به منظور همکاری با حقوق کیفری بین‌المللی نباشد تعقیب در این شرایط نشانه‌ای از خود خواهی است.» (حسینی نژاد، ۱۳۸۷، ۸۰)

۲-۴. حفظ نظم عمومی بین‌المللی

برخی از جرایم هستند که محل نظم عمومی بین‌المللی است و ارتباط به کشور یا کشور های خاصی ندارد. به گونه‌ای مثال؛ گفته شده است که دزدان دریایی دشمنان همه بشریت به حساب می‌آیند. (پور بافرانی، ۱۳۹۱، ۱۶۳) علت آن هم این است که این



جرائم اغلب بدون هیچ تبعیضی علیه کشتی‌ها و اتباع دولت‌های مختلف ارتکاب می‌یابند. برای دزدان دریایی هیچ تفاوتی ندارد که کشتی‌ای را که مورد حمله قرار داده است، متعلق به کدام کشور است و سرنشینان تابعیت چه کشوری را دارد. از همین رو است که فرض می‌شود، آن‌ها دشمنان همه بشریت هستند. سایر جرائم بین‌المللی، جرائم مانند جنایت نسل‌کشی، جنایت تجاوز، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی هم همین خصوصیت را دارند.

به این ترتیب با ارتکاب این جرائم و جرائم شدید و خشونت‌آمیز دیگر از قبیل جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، نه فقط نظم عمومی کشور خاصی، بلکه نظم عمومی بین‌المللی مختل می‌شود. لذا جهت جلوگیری از اختلال این نظم است که کشور‌های مختلف باید علیه دشمن مشترک خود موضع گرفته و با آن مبارزه کنند. «این وظیفه کلیه ممالک است که با همکاری و معاضدت علیه دشمن مشترک خود جبهه گرفته و تمام مساعی خود را در مبارزه با آن به کار بندند.» (میرمیرانی، ۱۳۹۴، ۵۵) با این اوصاف که برای اخلال و نقض نظم عمومی بین‌المللی وجود دارد، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مبانی ایجاد اصل صلاحیت جهانی به شمار می‌آید. برای این منظور است که دولت‌ها از طریق قرار دادها و معاهده‌های چندجانبه متعهد می‌شوند که اگر یکی از این قبیل مجرمان در کشور آن‌ها دستگیر شد او را تعقیب و مجازات نمایند. اگر جرم دزدی دریایی را نقطه شروع ایجاد صلاحیت جهانی بدانیم، باید گفت که علت دشمنی جامعه با دزدان دریایی خطرناک بودن این مجرمین برای جامعه بین‌المللی و نه فقط متضررین از جرم بوده است. همانطوری که یکی از حقوقدانان می‌گوید: «حقوق بین‌الملل دیر زمانی است که بعضی از اعمال را به عنوان این‌که علی‌الخصوص برای جامعه بین‌المللی خطرناک هستند مورد توجه قرار داده است. از جمله این اعمال را می‌توان به غارت دریایی اشاره کرد که استفاده صلح‌جویانه از دریاها را مختل می‌کرد. یعنی صلح و آرامش موجود در خیابان‌های عمومی و مشترک برای تمام ملل را که خارج از قلمرو حاکمیت و سلطه تمامی دولت‌ها بودن برهم می‌زد. در دل دریاها باید صلح و احترام به دریانوردی صلح‌جویانه جامعه بین‌المللی حکومت کند.» (آزمایش، ۱۳۷۰، ۹۶)

۴. شرایط تطبیق صلاحیت جهانی

اصل صلاحیت جهانی مانند، سایر اصول صلاحیت قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت دولت یک اصل بدون قید و شرط و مطلق نیست. بلکه این اصل در حقیقت مکمل سایر اصول و مخصوصاً اصل صلاحیت سرزمینی می‌باشد که برای رفع نقص موجود در سایر اصول به وجود آمده است. در واقع بنیادی و اساسی‌ترین اصول صلاحیت قوانین کیفری، اصل صلاحیت سرزمینی است و سایر اصول صلاحیت از جمله اصل جهانی برای رفع نارسایی‌های آن اصل به وجود آمده‌اند. (عالیه، ۱۹۹۲، ۱۳۴) بنابراین اصل صلاحیت جهانی که صلاحیت مبتنی بر دستگیری است، صلاحیت فرعی به شمار آمده و فقط در صورتی که صلاحیت عالی تر وجود نداشته باشد اعمال می‌گردد. (الفاضل، ۱۹۷۶، ۱۴۱)

تطبیق و اعمال صلاحیت جهانی وابسته با موجودیت شرایطی است که هریک را ذیلاً به صورت خلاصه به بررسی می‌گیریم.

۱-۴. وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور

از شرایط اعمال اصل صلاحیت جهانی این است که جرم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اعمال کننده صلاحیت، واقع شده باشد. (الزعبی، ۱۳، ۱۷۸) اگر چنانچه جرم در داخل قلمرو حاکمیت کشور اتفاق افتاده باشد، آن دولت با استفاده از اصل صلاحیت سرزمینی به آن رسیدگی نموده و نیاز به اعمال صلاحیت جهانی وجود نخواهد داشت. با توجه به این شرط می‌توان گفت که وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اعمال کننده صلاحیت، می‌تواند به دو صورت باشد. یک، جرم در دریایی آزاد یا در جای که در قلمرو حاکمیت هیچ کشوری نیست، اتفاق افتاده باشد. مانند، دزدی دریایی و تجارت برده. دوم این که گرچه جرم در قلمرو حاکمیت کشور های دیگر اتفاق افتاده باشد، اما دولت اعمال کننده صلاحیت، یعنی دولت محل دستگیری بر طبق عهد نامه های بین‌المللی، حق یا مسئولیت اعمال صلاحیت جهانی را داشته باشد. معاهدات فراوانی بر این نکته تأکید نموده است که در واقع کشور محل دستگیری متهم را موظف به محاکمه یا استرداد مجرم می‌کنند.

۲-۴. موجودیت مجرم در کشور محل دستگیری

یکی از شروط مهم اصل صلاحیت جهانی حضور مجرم، در کشور محل دستگیری است. به صورت کلی یکی از عوامل تحقق اصل صلاحیت جهانی رسیدگی فوری و سریع به اعمالی است که از دید جامعه بین المللی به عنوان جرم بین المللی تشخیص گردیده است. از همین جهت برای اجرای عدالت سریع و فوری، اجازه تعقیب به دولت محل دستگیری داده شده است. لازمه چنین اجرای عدالت، وجود مجرم در تحت قدرت و تسلط دولت محل دستگیری مجرم گفته شده است. از سوی دیگر با توجه به این که اصل صلاحیت جهانی محاکم کشور محل دستگیری مجرم، یک صلاحیت فرعی و تکمیلی است، لذا امکان رسیدگی غیابی برای آن دولت وجود ندارد.

علاوه براین، برخی معتقدند که حضور متهم در کشور محل دستگیری باید ارادی و از روی تمایل آن کشور باشد، در غیر این صورت مثل این که در خارج از کشور دستگیر شده و با اجبار به کشور آورده شده باشد، محاکم این کشور صالح برای رسیدگی به جرم او نخواهد بود. (عالیه، ۱۹۸۸، ۳۸۱) اما برخی از اندیشمندان حقوقی دیگر معتقدند که نحوه ای ورود مجرم مهم نیست، بلکه صرف دستگیری او در کشور محل دستگیری برای تحقق چنین صلاحیتی کافی است. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۸۷)

به نظر می رسد چگونگی ورود به کشور محل دستگیری مهم نیست، ممکن است ورود مجرم ارادی باشد یا غیر ارادی، آنچه که مهم است، دستگیری مجرم توسط نهاد های عدلی و قضایی کشور محل دستگیری مجرم در داخل آن کشور است. زمانی ممکن است مجرم به قصد سفر به کشور «الف» سوار هواپیما گردد. اما هواپیما از روی اضطرار در کشور «ب» فرود می آید و در این کشور مجرم دستگیر می شود، چنین ورود گرچند ارادی نیست، ولی محاکم این کشور صلاحیت دارد به جرم وی رسیدگی نماید. اما اگر چنانچه نیرو های امنیتی کشور «ب» برای دستگیری مجرم به کشور «الف» بدون اجازه آن کشور وارد شود و مجرم را دستگیر کرده به کشور شان می آورد، چنین دستگیری غیر قانونی و مداخله به حاکمیت کشور «الف» می باشد. چون از یک طرف کشور «ب» می خواهد، با محاکمه کردن مجرم نظم عمومی بین المللی را حفظ کند و از طرفی خود با تجاوز به کشور دیگر باعث از بین بردن نظم بین المللی می شود، چنین کاری خلاف قواعد حقوق بین المللی و مداخله صریح به حاکمیت کشور دیگر خواهد بود که در نتیجه منجر به نقض نظم جامعه بین المللی می گردد.



به هر صورت حضور و موجودیت مجرم در کشور محل دستگیری، از شرایط مهم و اساسی اصل صلاحیت جهانی است. گرچند امروزه دیدگاه‌ها و نظریات خلاف این نظریات نیز مطرح شده است که معتقد است، اصل صلاحیت جهانی شامل تلاش برای جستجو و دستگیری کسانی نیز می‌شود که هیچ ارتباطی با دولت اعمال کننده صلاحیت ندارند. در واقع نه جرم در سرزمین آن صورت گرفته، نه مجرم یا مجنی علیه تبعه اوست، نه جرم علیه منافع اساسی و حیاتی اوست و نه حتی مجرم در کشور او دستگیر شده است. از دید این نظریه پردازان چنین سعی و تلاش برای دستگیری مجرم حتی در خارج از حوزه صلاحیت‌های شان، در واقع با اهداف و اصول کنوانسیون‌های ژنو که همانا اجرای عدالت و جلوگیری از گریز جنایتکاران از مجازات است، بیشتر سازوگاری و انطباق دارد. (رنجبریان، ۱۳، ۱۴۰)

۳-۴. مجرمانه بودن رفتار در یکی از عهدنامه‌های بین‌المللی

شرط دیگری برای اعمال صلاحیت جهانی، لزوم موجودیت عهد نامه‌ای بین‌المللی مبنی بر جرم بین‌المللی بودن عمل ارتكابی و الحاق کشور محل دستگیری مجرم به آن، می‌باشد. اگر چنانچه معاهده‌ای بین‌المللی در این خصوص وجود نداشته باشد یا کشور محل دستگیری عضویت چنین معاهده را نداشته باشد، کشور محل دستگیری نمی‌تواند، مدعی اعمال صلاحیت جهانی بر شخصی باشد که او را در کشور خود دستگیر نموده است.

این عهدنامه‌ها عبارتند از: کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹، کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با گروهانگیری مصوب ۱۹۷۹ و کنوانسیون منع مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۹۷۳. در کنار موجودیت چنین عهدنامه‌های الحاق دولت‌ها به آن نیز ضروری و الزامی می‌باشد، که پس از ملحق شدن دولت‌ها به چنین عهد نامه‌ها، آن‌ها به صورت یک اصل و قاعده جزایی در آمده و رعایت آن برای کشورهای عضو الزامی می‌باشد. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۸۹)

لازم به ذکر است که برخی از کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ مبنی بر عرف بین‌المللی است؛ از همین رو بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی هرکشوری

حق و تکلیف عمل کردن به قواعد آن را دارد. لذا این کنوانسیون‌ها حتی برای کشورهای غیر عضو نیز لازم‌الاتباع است. با این وجود شرط الحاق دولت به چنین عهدنامه‌های که مبین عرفی بین‌المللی است و از قواعد عام‌الشمول به حساب می‌آید، لازم به نظر نمی‌رسد.

۴-۴. مجرمانه بودن عمل در کشور محل دستگیری مجرم

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، یکی از اصول مسلم و اساسی حقوق جزا است که رعایت آن در هر صورت لازم است. لذا در اعمال صلاحیت جهانی نیز این نکته مورد توجه قرار داده شود، دولتی که می‌خواهد به تعقیب و مجازات مجرم مبادرت ورزد، عمل ارتكابی باید مطابق قوانین جزایی داخلی آن کشور، مجرمانه و قابل مجازات باشد، در غیر آن صورت، تعقیب و مجازات کردن چنین شخصی اصولی و قانونی نخواهد بود. جرم بودن عمل ارتكابی ممکن است قبل از الحاق دولت به این معاهدات بین‌المللی باشد و یا بعد از الحاق دولت به آن‌ها. به عبارت دیگر تفاوت ندارد که قبل از ملحق شدن دولت به این عهد نامه‌ها، عمل مزبور مطابق قوانین جزایی آن کشور مجرمانه و قابل مجازات باشد یا پس از الحاق به این معاهدات و با تأسی به آن‌ها دولت مربوطه مبادرت به مجرمانه قلمداد نمودن این قبیل اعمال نموده باشد. (See Hafen, 1992: 191-230) با این حال چنانچه جرم مشمول صلاحیت جهانی موضوع یک کنوانسیون بین‌المللی باشد که دولت در خواست‌کننده و دولت درخواست‌شونده عضو آن باشند اصل مجرمیت متقابل محقق شده است، اما در خصوص جرایم جهانی که به طور یک‌جانبه از سوی دولت درخواست‌کننده جرم‌انگاری شده است و مورد شناسایی دولت درخواست‌شونده نیست، همکاری در اعمال صلاحیت جهانی با چالش مواجه خواهد بود.

۴-۵. عدم محاکمة قبلی

عدم رسیدگی قبلی یکی از شرایط مهم اعمال صلاحیت جهانی است، به دلیل این‌که همانطوری که قبلاً اشاره شد، اصل صلاحیت جهانی یک اصل فرعی و مکمل سایر اصول صلاحیت فرامرزی می‌باشد. لذا این احتمال وجود دارد که جرم موضوع اصل صلاحیت جهانی، قبلاً با استناد به سایر اصول صلاحیت (اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجرم، اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت معنی‌علیه و اصل



صلاحیت واقعی) مورد رسیدگی، محاکمه و مجازات قرار گرفته باشد. بنابراین اگر مجرم موضوع این اصل، قبلاً با استناد به یکی از اصول صلاحیت های متذکره، مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گرفته باشد، با استناد به این اصل، مجدداً قابل مجازات و محاکمه نمی باشد. در واقع این شرط که نشأت گرفته از اصل مسلم و اساسی حقوق جزای بین الملل، یعنی اصل «منع محاکمه مجدد» است، در ماده ۹ پیش نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری مصوب ۱۹۹۱ کمیسیون حقوق بین الملل و ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ نیز اشاره گردیده است. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۳۵)

۵. صلاحیت جهانی در حقوق جزای افغانستان

قانونگذار افغانستان در ماده ۲۶ کود جزا صلاحیت جهانی را بیان نموده است: «جرائمی که مطابق اسناد بین المللی جرم شناخته شده باشد، مرتکب آن در صورت یافت شدن در افغانستان مطابق احکام قوانین کشور مورد تعقیب عدلی قرار داده می شود، مشروط بر اینکه این گونه اعمال در این قانون جرم شناخته شده و برآن مجازات معین و سایر صلاحیت های سرزمینی، شخصی یا ذاتی قابل تطبیق نباشد». در این ماده صلاحیت جهانی قوانین افغانستان بر جرایم بین المللی مقرر شده است. البته اندراج و پیش بینی صلاحیت جهانی در قوانین جزای افغانستان از ابتکارات کود جزا است و در قوانین جزای قبلی افغانستان، صلاحیت جهانی مطرح نشده بود.

در ماده ۲۶ کود جزا صلاحیت جهانی به عنوان یکی از چهار صلاحیت جزایی است پیش بینی شده است. بر اساس این صلاحیت قوانین و مراجع جزایی افغانستان صلاحیت تطبیق و رسیدگی به جرایم بین المللی را بدون توجه به محل ارتکاب جرم و تابعیت مرتکب و مجنی علیه دارد. بر اساس ماده مذکور، برای اعمال صلاحیت جهانی لازم است چهار شرط وجود داشته باشد. شرط اول این که عمل ارتكابی بر اساس یک سند بین المللی مانند یک معاهده جرم انگاری شده و جرم شناخته شده باشد. شرط دوم حضور متهم در قلمرو کشور است. بر اساس این شرط محاکمه غیابی بر اساس صلاحیت جهانی جواز ندارد، شرط سوم جرم انگاری عمل در قوانین افغانستان و شرط چهارم اینکه مراجع جزایی افغانستان زمانی صلاحیت دارد و قوانین کشور تطبیق می گردد که هیچ یک از صلاحیت های سرزمینی،

شخصی و واقعی موجود نباشد. در صورت که یکی از صلاحیت های دیگر جزایی موجود باشد، صلاحیت جهانی قابل اعمال نیست.

۶. جرایم مشمول صلاحیت جهانی

در قدیم صرفاً دو جرم (دزدی دریایی و برده داری) موضوع این نوع صلاحیت بودند؛ اما در طی چند قرن اخیر، قاعده صلاحیت جهانی اندکی از شکل ابتدایی خود خارج شده و تکامل یافته است. این اصل نه تنها دزدان دریایی، بلکه فهرست کامل تری از جنایات بین المللی، از جمله تجارت برده، نسل کشی، شکنجه و غیره را شامل می شود. این فهرست به موازات گستردگی ابعاد قواعد بین المللی وسیعتر شده است. در دهه گذشته، کاربرد صلاحیت جهانی توسط دولت ها با سرعت بیشتری رو به رشد بوده است. مذاکرات گسترده بر سر ایجاد دیوان بین المللی کیفری دائمی که بین سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ انجام گرفت، فرصتی برای مذاکرات و بازنگری های اساسی در مورد دکترین صلاحیت جهانی فراهم آورد. (385 Bartram, 2001) در خصوص این که چه جرائمی مشمول این نوع اعمال صلاحیت هستند، تاکنون بحث و گفتگوهای بسیاری صورت گرفته است و با توجه به تفکیکی که در خصوص جرائم بین المللی و جنایات بین المللی انجام شد، روشن می شود که صلاحیت جهانی نسبت به کدامیک از این نوع افعال اعمال خواهد شد. آیا این صلاحیت علاوه بر جنایات بین المللی مشمول جرائم بین المللی هم می شود یا نه؟ نکته قابل توجه این است که وقتی کمیسیون حقوق بین الملل مسئول جمع آوری فهرست جرائم بین المللی گردید، هر دو دسته جرائم بین المللی و جنایات بین المللی را در تعریف خود آورد و به تفاوت بین آن ها اشاره نمود. (آزمایش، ۱۳۷۴، ۵۷) مسأله دیگر این است که دولت ها محدوده صلاحیت ملی خود را توسعه داده و برای اعمال صلاحیت جهانی آرام آرام از شمول جنایات بین المللی فراتر رفته و بسیاری از جرائم بین المللی را نیز مشمول اعمال این نوع صلاحیت نمودند و ما شاهد آن هستیم که کنوانسیون های بسیاری در مورد تروریسم، طیاره ربانی منعقد گردیده و مرتباً دامنه شمول تعهدات دولت ها را گسترش می دهند. در حالی که بعضی از دولت ها تنها در سه مورد نسل کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، صلاحیت جهانی برای خود وضع نمودند. در هر صورت در حال حاضر سیر حوادث به سوی پیشرفت و توسعه صلاحیت جهانی نسبت به سایر موارد ادامه دارد و برخی از نمونه های عملی رسیدگی به جرایم تحت



شمول صلاحیت قضایی جهانی قرار ذیل است: چند نفر از یوگسلاوی سابق در آلمان و ناروی، جنایت کارانی از روندا در بلژیک، جنایت کارانی آرژانتینی در اسپانیا و جنایت کارانی مورتانیایی در فرانسه بر مبنای صلاحیت جهانی تحت تعقیب قرار گرفته و محاکمه شدند. از افغانستان حسام الدین حسام در ۲۰۰۵ و حبیب جلال زوی در ۲۰۰۷ در هالند به اتهام جنایت‌های جنگی محکوم و به زندان رفتند. فریاد سرور زرداد در سال ۲۰۰۷ در انگلستان به اتهام شکنجه، محاکمه و به زندان محکوم شد. (رستم خانی، ۱۳۸۹، ۵).

۷. موانع و چالش‌های صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی در جهت جلوگیری از بی‌کیفر ماندن جنایت کاران بین‌المللی نقش موثری ایفا می‌کند، اما با موانع و چالش‌های نیز مواجه است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۷-۱. با وجود این که مطابق ماده ۲۹ اساسنامه رم، جنایات تحت صلاحیت قضایی دادگاه، شامل هیچ نوع قاعده مرور زمان نمی‌شوند، اما در بعضی کشورها جنایت‌ها مشمول مرور زمان می‌شود. در آلمان و انگلستان مرور زمان برای جنبه مدنی جرایم جنگی نهایتاً تا شش سال پیش بینی شده است. (Redress Trust, 1999: 39) از باب مثال در انگلستان دادستان بیان داشت که جرم جنگی در سال ۱۹۴۲ که منجر به کشته شدن دو یهودی غیرنظامی شده است، مشمول مرور زمان شده است و نمی‌تواند در سال ۱۹۹۱ مسموع باشد. (Redress Trust, 1999: 38). از سوی دیگر قلمرو صلاحیت جهانی منحصر به جرایم بین‌المللی ذاتی مندرج در اساسنامه رم نیست و لذا این نوع جرایم معمولاً مطابق قوانین ملی کشورها تحت شمول قاعده مرور زمان قرار می‌گیرد و حتی با صلاحیت جهانی هم دیگر قابل تعقیب نخواهد بود. از باب مثال مطابق ماده ۲۷ قانون اجراءات جزای افغانستان (۱۳۹۳)، مرور زمان در جرم جنایت مدت (۱۰) سال و در جرم جنحه به مدت سه سال تعیین گردیده است، هر گاه جرم جنایت و جنحه در مدت زمان مشخص شده تحت تعقیب عدلی قرار نگیرد تابع مرور زمان می‌گردد و دعوای جزائی بنابر سبب مرور زمان ساقط می‌گردد.

۷-۲. مصونیت‌های قانونی یکی دیگر از مشکلات است. طبق قانون دیوان بین‌المللی دادگستری، رییس یک کشور اعم از رییس جمهور یا نخست وزیر و وزیر خارجه را نمی‌توان به خاطر جنایت مورد پیگرد قرار داد؛ چون مانع انجام وظیفه شان می‌شود، زمانی می‌توان



آن‌ها را مورد پیگرد قرار داد که از سمت شان کنار رفته باشند.^۱ البته این موضوع با اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی کیفری در تضاد قرار دارد. ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی رم مقرر می‌دارد: همه‌ی مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی را صرف نظر از سمت شان می‌توان مورد پیگرد قرار داد. ۳-۷. داد و ستد و نفوذ سیاسی دولت‌ها یکی از موانع جدی است. برای مثال، در اکتبر ۲۰۰۷ قاضی دادگاهی در پاریس حکم بازداشت رامزفلد را صادر کرد. اما در نوامبر همان سال خارنوال بر اساس اظهار وزارت امور خارجه فرانسه که این حکم بر روابط فرانسه با امریکا تاثیر منفی می‌گذارد آن را خلاف قانون دانست. اسرائیل هم مدام به کشورهای اروپایی به خصوص آلمان و انگلیس فشار می‌آورد تا شکایت‌های علیه مقامات آن کشور را اصلاً نپذیرند و مورد بررسی قرار ندهند، چه رسد به این که این گونه شکایت‌ها به نتیجه‌گیری برسد و حکم صادر شود. در شروع نوامبر ۲۰۱۰ در طی سفر ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلستان به خاورمیانه و اسرائیل، دولت اسرائیل اعلام کرد که در اعتراض به استفاده از صلاحیت قضایی جهانی در انگلستان گفتگوهای استراتژیک بین دو کشور را معلق کرده است. (رستم خانی، ۱۳۸۹، ۷)

۴-۷. مشمول عفو شدن: عفو از سوي مقامات صلاحیتدار نسبت به شخص یا گروهی که متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی هستند می‌تواند مانعی برای اعمال صلاحیت جهانی محاکم ملی باشد. هر چند اساسنامه‌ی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری درباره عفو در جرایم بین‌المللی سکوت کرده‌اند. (خداداد، ۱۳۹۱، ۶۶) اما اساسنامه دیوان ویژه لبنان صریحاً اعطای عفو به متهمین ترور رفیق حریری و همراهانش را ممنوع کرده است. هم‌چنین دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ اعلام کرد که وی موافقتنامه صلح سیرالئون را امضا خواهد کرد مشروط به این شرط مهم که «عفو و گذشت نسبت به جرایم بین‌المللی نسل‌کشی، جرم علیه بشریت، جرایم جنگی و سایر تخلفات مهم از حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل اجرا نخواهد بود.» (شریعت باقری، ۱۳۸۲، ۹۱)

¹ ICJ Report, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v Belgium), para. 58.

۵-۷. عدم رویه واحد دولت‌ها در مورد صلاحیت جهانی: دولت‌ها در مورد پذیرش صلاحیت جهانی و جرایم تحت شمول آن وحدت نظری ندارند و به طور کلی رویکرد دولت‌ها نسبت به اصل صلاحیت جهانی به چهار دسته تقسیم می‌گردد. مومنی، ۱۳۹۳، ۱۶۰

۱-۵-۷. کشورهای مانند سودان، مصر و هند صلاحیت جهانی را قبول نکرده‌اند.

۲-۵-۷. پذیرش بدون تعیین مصداق. برخی کشورها مانند ارمنستان، بوسنی و هرزگوین، تاجکستان، روسیه رومانی، سوئیس، فرانسه و لبنان، صلاحیت جهانی را پذیرفته‌اند اما مصداق خاص از جرایم را به عنوان قلمرو صلاحیت جهانی تعیین نکرده‌اند.

۳-۵-۷. پذیرش با تعیین مصادیق معین. مانند امارات متحده عربی، انگلیس، بلژیک و کانادا. از باب مثال جرایم مشمول صلاحیت جهانی در امارات متحده عبارتند از: تخریب یا تعطیلی وسایل ارتباطی دولتی، جرایم تجارت مواد مخدر، زنان، کودکان، بردگی، راهزنی دریایی و تروریسم دولتی.

۴-۵-۷. پذیرش با تعیین قلمرو وسیع از مصادیق صلاحیت جهانی. مانند آذربایجان، آلمان، سوئد و فنلاند. در قانون کیفری آذربایجان جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی است: جرایم علیه صلح و نوع بشریت، جنایت جنگی، تروریسم؛ حمایت مالی از تروریسم، طیاره ربایی، گروگانگیری، شکنجه، دزدی دریایی، ترویج غیر قانونی مواد مخدر، ساخت پول یا مهر تقلبی، حمله به اشخاص مورد حمایت بین‌المللی و هم‌چنین سایر جرایم ذکر شده در توافق‌نامه‌های بین‌المللی آذربایجان. در قانون مجازات ۲۰۰۸ ماده ۶ آلمان، جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی است: جرایم مرتبط با انرژی هسته و مواد منفجره، حمله به وسایل نقلیه هوایی و دریایی، بهره‌کشی جنسی، استثمار نیروی کار، تجارت غیر قانونی مواد مخدر، توزیع کتب و عکس‌های مستهجن، جعل اسکناس و اوراق بهادار و جرایم که مطابق توافق‌نامه بین‌المللی برای آلمان الزام آور است.

مطابق بند ۶ بخش ۳ قانون کیفری ۱۹۶۲ سوئد جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی قرار دارد: تخریب سیستم دریایی، هوایی و فرودگاهی، جرایم علیه حقوق بین‌الملل، اقدامات غیر قانونی مرتبط با سلاح‌های شیمیایی و مین‌ها، اظهارات غلط یا غیر دقیق نزد یک محکمه بین‌المللی. در بخش ۷ قانون مجازات فنلاند اصلاحی ۲۰۰۸ تحت عنوان جرایم بین‌المللی

مقرر می‌دارد که مطابق به توافقات بین‌المللی، جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی است: جعل پول رایج، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل‌زدایی، قاچاق و ترویج مواد مخدر و دواهای روانگردان، طیاره‌بایی، قتل عمدی، حمله یا سلب آزادی اشخاص مورد حمایت بین‌المللی. (مومنی، ۱۳۹۳، ۱۶۱-۱۷۳).

نتیجه‌گیری کلی

صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل معاصر عبارتست از توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایم بین‌المللی که در خارج از قلمرو حاکمیت اتفاق افتاده و هیچ‌یک از صلاحیت‌های دیگر قابل اجرا نباشد. این صلاحیت از مبانی متعدد (مانند حفظ نظم عمومی و جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرمان در سطح ملی و بین‌المللی) برخوردار است و با شرایط ویژه (مانند وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشورها، مجرمانه بودن رفتار در یکی از عهدنامه‌های بین‌المللی و مقررات داخلی، عدم محاکمه قبلی و حضور مجرم در کشور محل محاکمه)؛ قابلیت اجرا را دارد و موضوع صلاحیت جهانی جرایم بین‌المللی قراردادی و ذاتی است. صلاحیت جهانی در مقام اجرا با موانع و چالش‌های متعددی رو برو است. عدم اتخاذ رویه و احد از جانب کشورها در مورد قلمرو صلاحیت جهانی، اصل پذیرش و ملاحظات سیاسی کشورها در مورد مجرمان بین‌المللی و دخالت روابط دیپلماتیک در عرصه قضایی از مهم‌ترین مشکلات و موانع صلاحیت جهانی در حوزه نظری و عملی آن است.

کود جزای افغانستان در ماده ۲۶، صلاحیت جهانی را پیش‌بینی و چهار شرط (مجرمانه بودن عمل در یکی از اسناد بین‌المللی، مجرمیت متقابل، عدم محاکمه قبلی و قابلیت اجرا نبودن سایر صلاحیت‌ها)؛ برای اجرایی شدن آن ذکر نموده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانونگذار افغانستان در بحث صلاحیت جهانی تابع مقررات بین‌المللی بوده و در مطابقت با کنوانسیون‌های بین‌المللی این صلاحیت را مقرر نموده است و البته مصادیق مشخصی از جرایم را که مشمول این صلاحیت می‌شود بیان نکرده و صرفاً به کلیات بسنده نموده است.



منابع

۱. الشورابی، عبدالحمید، (۲۰۰۳)، التعليق الموضوعی علی قانون العقوبات، الكتاب الاول، الاسكندريه، مطبعه عصام جاب.
۲. العوجی، مصطفی، (۱۹۸۸)، القانون الجنای العام، جلد ۱، الطبعة الثانية، بيروت، مؤسسه نوفل.
۳. آزمايش، علی، (۱۳۸۲) تقریرات درس حقوق بين الملل کيفري، دورة دکتري، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۴. البوردی العتيبي، سعود بن عبد العالي، الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنة بالأنظمة المعمول بها في المملكة العربية السعودية، رياض،، چاپ دوم، ۱۴۲۷، بر اساس مجموعه الشامله.
۵. استانیسلا و پلاوسکی، (۱۳۷۰)، بررسی اصول اساسی حقوق بين الملل کيفري، ترجمه علی آزمايش، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۶. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱)؛ حقوق جزای بين الملل، انتشارات جنگل، چاپ چهارم.
۷. (۱۳۸۸)، حقوق جزای بين الملل، ايران، انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۸. حسینقلی، حسینی نژاد (۱۳۷۳)؛ حقوق کيفري بين الملل اسلامی، نشر میزان، چاپ اول.
۹. خالقی، علی، (۱۳۸۸)، جستارهایی از حقوق جزای بين الملل، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول.
۱۰. خداداد، زهرا، (۱۳۹۱)، صلاحیت جهانی و حاکمیت دولتها در حقوق بين الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بين الملل، دانشگاه قم.
۱۱. رستم خانی، خلیل (۱۳۹۸)، راهکارهای پیگیری ناقضان حقوق بشر در سطح بين الملل، کتاب سیاست نامه ۶-۷، کابل، آرمان شهر.
۱۲. رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۱) قانون ۱۹۹۳-بلژیک، رأی ۴۱ فبروری ۲۰۰۲ دیوان بين المللی دادگستری، صلاحیت کيفري جهانی در بوته آزمون، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸.
۱۳. زغبی، فرید، (۱۹۹۵)، الموسوعة الجزائيه، جلد ۶، دار صادر، الطبعة الثالثة.
۱۴. ساک کیتی چایساری، کریانگ (۱۳۸۳ ه.ش)؛ حقوق بين المللی کيفري، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، سمت، چ ۱۰.
۱۵. شریعت باقري، محمدجواد (۱۳۹۰)؛ اسناد دیوان کيفري بين المللی، تهران، انتشارات جنگل.
۱۶. شهباز، میر میرانی، (۱۳۴۹)، حقوق جزای بين الملل، ماهنامه قضایی، شماره ۵.
- ۱- ۱۵. عالیه، سمیر، (۱۹۹۲)، قانون العقوبات (القسم العام)، الموسوسه الجامعيه للدراسات و النشر و التوزيع، بيروت، چاپ اول.
۱۷. عبدالملک، جندي، (بی تا)، الموسوعة الجنائيه، جلد ۵، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. فاضل، محمد، (۱۹۷۶)، المبادي العامه فی التشريع الجزایی، دمشق، مطبعه الداویدی

۱۹. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷ ه.ش؛ حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین پیران و دیگران، تهران، جنگل - جاویدانه، چ ۱.
۲۰. کودجزا (۱۳۹۶).
۲۱. مؤمنی، مهدی (۱۳۹۳)؛ حقوق بین الملل کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.
۲۲. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)؛ دادگاه کیفری بین المللی تهران، دادگستر.
۲۳. مجید حائری، (۱۳۸۲)، حقوق جزای بین المللی، کانون وکلاء، س ۲، ش ۲۲، ۲۱، ۲۰.
24. S. Brown Bartram, "The Evolving Concept Of Universal Jurisdiction", New England Law Review, Vol.35:2, 2001, P.385
25. Redress Trust, (1999), Universal Jurisdiction In The European Union, 1999
26. available at www.redress.org/downloads/conferences/country%20studies.pdf
27. Hafen, Jonathan, (1992), "International Extradition: Issues Arising Under the Dual Criminality Requirement", Brigham Young University Law Review, No.191.

